

عنوان مقاله :

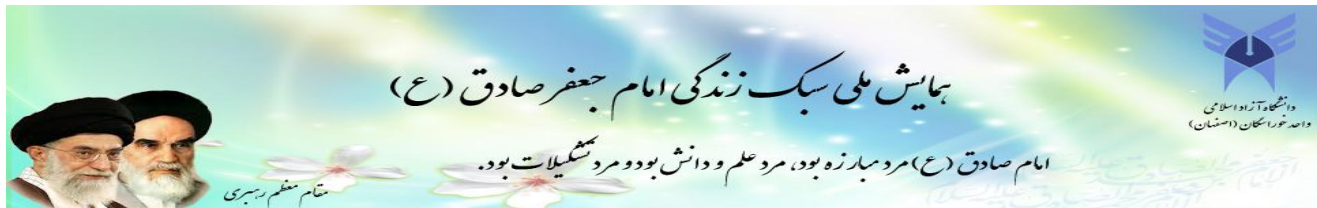
بررسی تربیت اخلاقی در سبک زندگی امام صادق علیه السلام

تهیه کننده :

1. سید محمد محمد زاده (دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مدرس و رئیس دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان))
2. ستاره جلالی (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان))

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

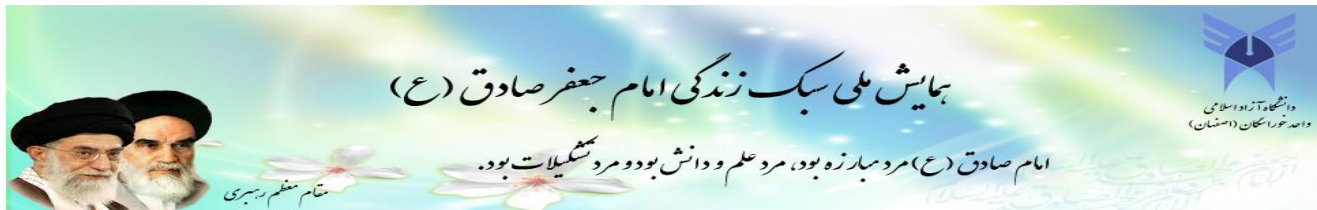
آبان ماه ۱۳۹۲



چکیده:

هدف از نگارش این مقاله بررسی تربیت اخلاقی در سبک زندگی امام صادق علیه السلام بوده و سعی شده تصویری از فرد تربیت یافته را ارائه دهد. روش پژوهش: کتابخانه ای و توصیفی است که با استفاده از فیش برداری اسناد و مدارک (کتب روایی و تاریخی) و دسته بندی آنها انجام شده و باتجزیه و تحلیل و استنباط آنها، نتایج بصورت گزارشی ارائه شده است. نتیجه کلی اینکه اسلام دارای یک نظام تربیتی جامع و کامل است و تعالیم امام صادق (ع) برای تمام ابعاد وجودی انسان ملاکها و معیارهای تربیتی در نظر گرفته است که بر واقعیتهای جامعه استوار است و می تواند ثمره و محصولی را برای تربیت خویش به تصویر کشد. نظرات تربیتی امام علیه السلام در عصر و زمان ما، قابل پیاده شدن و اجرا است. که در صورت اجرا محصول تربیت امام صادق (ع)، به بالاترین درجات کمال انسانی که همان عبد خداوند است می رسد.

کلید واژه ها: تربیت، اخلاق، سبک زندگی، امام صادق (ع).

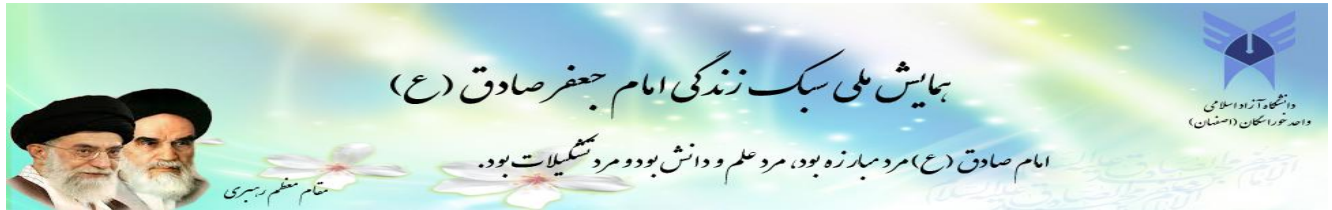


مقدمه:

بیان مساله: مکتب تربیتی اسلام به عنوان تنها مکتبی که نگاه همه جانبه به تربیت انسانها دارد توانسته به صورت جز به جز تمام ابعاد وجودی انسان را مشروحا تبیین نماید. نگاه ویژه به اصول تربیتی اسلامی (کرامت و عزت انسانها، اختیار، عدل، عدالت، کمال جویی، وسعت، امر به معروف و نهی از منکر، عبادت) و نگاه ویژه به اهداف تربیت اسلامی از جمله (تربیت خویشتن، ارتباط با خدا ارتباط با طبیعت) دارد. امام صادق (ع) به عنوان پرچم دار این مکتب تربیتی به تفسیر و شرح بیان این مکتب جامع پرداخته است. روش و منش زندگی ایشان و گفتار و ارزشمند ایشان چلچراغی فروزان و مشعلی تابان در مسیر راه انسان ها برای دستیابی به گوهر های ارزشمند این مکتب تربیتی می باشند از روی دیگر تربیت اخلاقی به عنوان محوری ترین مبحث تربیتی در این مکتب مورد توجه حضرت صادق (ع) بوده و در یک کلام می توان گفت تمام اقوال حرکات سکناات و افعال ایشان در کل زندگی ایشان در تمام ابعاد (شخصی، اجتماعی، عبادی، سیاسی و ...) بعد اخلاقی دارد. لذا در این نوشتار سعی نمودیم نگاه ویژه ای در سبک زندگی امام صادق (ع) داشته باشیم.

هدف ها: هدف از این نوشتار بررسی اصول تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع) و بررسی روش های تربیتی اخلاقی منتج از این اصول می باشد.

روش تحقیق: روش تحقیق کیفی و روش کتابخانه ای با استفاده از روش تحلیل محتوا استفاده نموده ایم. هم چنین از منابع دسته اول استفاده شده و با روش فیش برداری از منابع به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته ایم.



معنی لغوی تربیت :

از واژه‌ها چنین برمی‌آید که تربیت مصدر باب تفعیل و دارای سه ریشه است:

- ۱- ربأ، یربؤ (= فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (= فعل ناقص) ۳- رب، یرب (= فعل مضاعف) (شحات الخطیب، ۲۳/)
- تربیت چون از ربا، یربو باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: رَبَّأ الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وَرَبَاءً. زاد و نما. (ابن منظور، ۱۴/ ۳۰۵)؛ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد.
- تربیت از ریشه رب، یرب در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن. از میان سه معنای پیش گفته، بیشتر زبان‌شناسان - چنان‌که خواهد آمد- تربیت را با عنایت به ریشه رب، یرب تعریف کرده‌اند. از باب نمونه راغب اصفهانی بر آن است که: تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد. (راغب اصفهانی، ۱۸۴) و بیضاوی، تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز دانسته است. (بیضاوی، ۱/۱۰)

معنای اصطلاحی تربیت:

عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه رشد یا شکوفایی استعدادها و به رساندن قوای نهفته یک موجود فعلیت‌تربیت به انسان اختصاص ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد به کار می‌رود و اگر در مورد انسان به کار رود کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می‌شود. در قرآن واژه <تزکیه> فراگیرترین واژه‌های است که قرآن در مورد تربیت اخلاقی به کار برده است. تعریفی دیگر از تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفاشود انسان موجودی است با استعدادهای شگرف و گرانقدر چنانکه از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: الناس معادن لمعادن الذهب والفضة "مردم چون معادن طلا و نقره اند با این تعبیر باید آنچه را که مانع شکوفایی استعدادهای انسان است را رفع کرد و زمینه‌های مساعد را فراهم کرد تا استعدادهای انسان به فعلیت رسد و انسان متصف به صفات و کمالات الهی شود.

اصول تربیت اسلامی



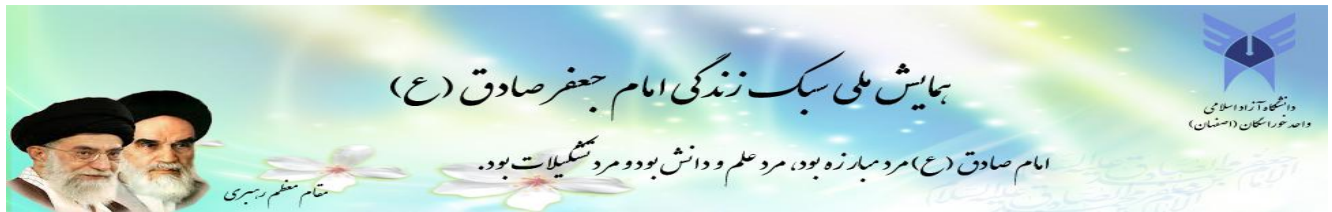
اصل تربیتی ریشه و بنیانی است که در جریان تربیت، اجتناب ناپذیر است و به عنوان دستورالعملی کلی، تمام جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارد و در صورت تخطی از آن، رسیدن به هدف آرمانی تربیت، دستخوش مخاطره می شود. در این مبحث با در نظر گرفتن این معنای اصل تربیتی به معرفی چند اصل در تربیت اسلامی می پردازیم. این اصول دارای ویژگی جامع و فراگیر است و سیطره و نفوذ آنها در تمام ابعاد نظام تربیتی اسلام، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد. البته معرفی یک یا چند اصل عام تربیتی به منزله غفلت و نادیده انگاشتن اصول کاربردی نخواهد بود؛ چرا که پس از تعیین چهارچوب فعالیت و اهداف، تعیین و هدایت روشهای اجرای تربیت در قلمرو اصول کاربردی تربیت است. در این نوشته شش اصل از اصول عام تربیت اسلامی (کرامت انسان - مسئولیت انسان - تعقل و اندیشه ورزی - عدل - کمال جویی و وسع انسان) معرفی و مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- اصل کرامت

در قرآن کریم شرافت و کرامت انسان را براحتی می توان از تشریح جریان خلقت حضرت آدم (ع) و فرمان سجده ملائکه در مقابل ایشان و اعطای مقام جانشینی خدا در روی زمین دریافت. انسان که این چنین از سوی خالق مورد احترام و تکریم قرار گرفته در جریان تربیت نیز باید همواره مورد تکریم باشد و از تعیین هر گونه هدف و روشی که منافی با این کرامت و شان والای اعطایی از سوی خداوند باشد اجتناب گردد.

از شرافت و کرامتی که خداوند - رب و مربی اصلی انسان - برای مخلوق خویش قائل شده است چنین برمی آید که این امر باید به عنوان یک اصل در جریان تربیت وی برای رسیدن به رشد نهایی و کمال و آخرین مرحله تربیت یعنی رسیدن به مقام قرب "ربوبی شدن" مورد توجه و دقت قرار گیرد. خداوند متعال در سوره مبارکه اسراء درباره کرامت انسان در جهان خلقت و علائم کرامت وی چنین می فرماید: ... و لقد کرمننا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً... (اسراء / ۷۰) ترجمه: ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب برّ و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر ایشان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم.

۲- اصل عقل



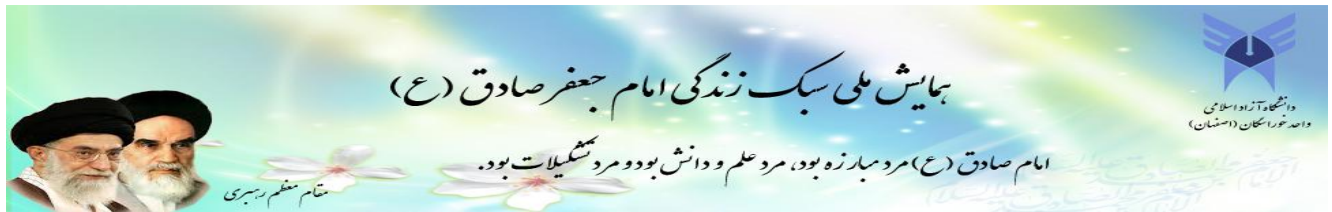
اصل دیگری که می‌توان در تربیت اسلامی از آن سخن گفت اصل عقل است؛ به این معنی که در هیچ کدام از عناصر جریان تربیت و در هیچ یک از مراحل تربیت نمی‌توان اصل عقل را نادیده گرفت و ملاک و مناط هر فعالیتی انطباق آن با اصول عقلانی است.

قرآن کریم بارها انسان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند و بسیاری از امور صرفاً به دلیل اینکه زمینه ساز تعقل و تفکر بشود، توصیه شده است. گو اینکه رسیدن به تعقل و تفکر راه را برای رسیدن به اهداف بالاتر تربیت فراهم خواهد ساخت. از این زاویه می‌توان تعقل را به عنوان یکی از اهداف واسطه‌ای تربیت معرفی کرد. اما از آنجا که طیفی بسیار وسیع را تحت پوشش قرار می‌دهد و با قاعده مورد نظر ما یعنی عمومیت و ضرورت در کل جریان تربیت انطباق کامل دارد، می‌توان آن را به عنوان یک اصل بنیادین معرفی کرد. در این نوشته منظور از تعقل، تفکر جهت دار است؛ یعنی تفکری که مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات باشد و این مقررات، منطقی بودن و وافی به مقصود بودن تفکر را تضمین، و آن را از خیالات و اوهام مجزا بکنند. کلمه عقل در لغت به معنای بستن و گره زدن است. به همین مناسبت ادراکاتی هم که انسان دارد و آنها را در دل دارد و پیمان قلبی نسبت به آنها بسته، عقل نامیده‌اند و نیز مدرکات واقعی آدمی را و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیده‌اند (تفسیر المیزان ۱۲).

۳- اصل کمال جویی

انسان مورد نظر تربیت اسلامی همواره در حال تلاش و فعالیت و در تکاپوی پیشرفت به سوی هدفی است که آن هدف، رسیدن به مقصدی است که خدای تعالی از خلقت انسان اراده کرده است. "هدف مذکور گاه به عنوان هدایت و رشد و گاه به عنوان قرب و رضوان و گاه طهارت و حیات طیبه، تقوی و عبادت و عبودیت معرفی شده است (تفسیر المیزان جلد ۲۰). رسیدن به این هدف آرمانی مظهر رشد و کمال در انسان است. لذا هر امری و هر فعالیتی تنها در صورتی با ارزش است که به انسان در طی این طریق کمک کند و او را در برداشتن گام‌هایی چند در رسیدن به این مقصود یاری رساند. این اصل در تعیین اهداف و روشهای تربیتی نقش محوری و کانونی را ایفا می‌کند و ملاک و مناط انتخاب است. در سوره مبارکه انشقاق مقصد تلاش و فعالیت انسان ملاقات پروردگار - یعنی کسب ویژگی‌هایی که انسان را شایسته نزدیک شدن به پروردگار می‌سازند - معرفی شده است. در این رابطه چنین می‌خوانیم:

یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه (انشقاق/ ۸۴) ترجمه: هان ای انسان، تو در راه پروردگارت تلاش می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد.



در ترجمه تفسیرالمیزان درباره این آیه شریفه چنین نوشته شده است: "... کدح تلاش نفس است در انجام دادن کاری تا اینکه آثار تلاش در نفس نمایان گردد. بنابر این در کلمه معنای سیر هم خوابیده... جمله فملاقیه عطف است بر کلمه کادح و با این عطف بیان کرده که هدف نهایی این سیر و سعی و تلاش، خدای سبحان است. البته بدان جهت که دارای ربوبیت است، یعنی انسان بدان جهت که عبدی است مربوط و مملوک و مدبر و در حال تلاش به سوی خدای سبحان است، دائماً در حال سعی و تلاش و رفتن به سوی خدای تعالی است، بدان جهت که رب و مالک و مدبر اوست (تفسیرالمیزان جلد ۲۰).

کمال مورد نظر اسلام در رسیدن به هدف غایی تربیت نهفته و کسی که در تلاش و تکاپو برای ملاقات پرودگار خویش است، مایل به رسیدن به کمال یا آخرین مرتبه وجود متصور برای نوع انسان است. "هدایت به عنوان هدف غایی گاه در قرآن با واژه رشد بیان می‌شود. رشد در فرهنگ قرآن به معنای توسعه و نمو به کار نرفته بلکه به مفهوم هدایت استعمال شده است.

۶- اصل وسع

انسان دارای مجموعه‌ای از تواناییها و استعدادهاست و در نظر گرفتن این تواناییها در نظام تربیتی اسلام اصلی ضروری است و خداوند به عنوان بزرگ مربی انسانها، همواره بر این نکته تأکید فرموده‌اند که هیچ کس را فراتر از طاقت و قابلیت اعطایی، مورد بازخواست و تکلیف قرار نمی‌دهند. این اصل با اصول عدل و مسئولیت همخوانی و انطباق کامل دارد و بازخواست افراد (متربیان) در صورتی کاری موجه و عقلایی است که قبلاً استعداد و آمادگی لازم در آنها ایجاد شده باشد. بعلاوه اصل عدل ایجاب می‌کند که خداوند استعداد و قابلیت هدایت و تربیت را به همه بندگان خویش عطا کرده و هیچ تفاوتی بین بندگان (یا افراد تحت تربیت) قائل نشده باشد، الا اینکه مربوط به قوه گیرندگی آنها باشد و نه افاضه ذات اقدس الهی.

در قرآن کریم تکلیف خواسته شده از بندگان بستگی به وسع و ظرفیت وجودی اعطایی به ایشان داشته و خداوند متعال در موارد مکرری این اصل را متذکر شده‌اند در سوره مبارکه بقره چنین می‌خوانیم: ... لا تکلف نفسا الا و سعتها... (بقره/۲۳۳) ترجمه: هیچ کس را تکلیف نکرد مگر قدر توانایی او.



... ولا یكلف الله نفسا الا وسعها... (بقره/۲۸۶) ترجمه: هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند.

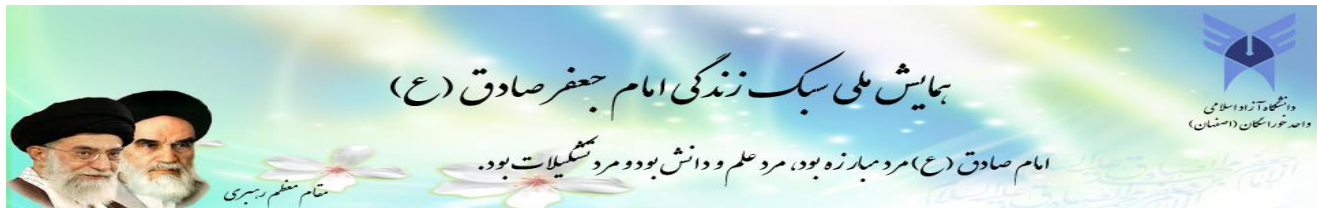
لذا می توان نتیجه گرفت که هدف نهایی تربیت یعنی رسیدن به رضوان و قرب الهی هدفی است که با تواناییهای انسان تناسب دارد و انسان استعداد رسیدن به چنین مرحله ای را دارد. بعلاوه در تعیین اهداف واسطه که پله های نردبان حرکت به سوی هدف نهایی است، نیز این اصل باید مورد توجه و عنایت خاص قرار گیرد. آنجا که افراد در موقعیتهای مختلف از وسعهای گوناگون برخوردارند، ملاحظه توان و طاقت فراگیر در تعیین اهدافی که وی باید بدانها برسد اصلی اجتناب ناپذیر است.

روش های تربیتی:

۱- تشویق:

تشویق از ریشه ی شوق، عبارت از سخن یا عملی است که بدان وسیله از فعل فاعل قدردانی به عمل می آید و فاعل را برای تکرار آن عمل، مشتاق تر می کند. تشویق، در ضمن، دیگران را نیز به انجام آن عمل برمی انگیزد و تحریض می کند. در بسیاری از آیات قرآن کریم، سخن از بشارت و وعده های الهی به نیکوکاران و پارسایان است. تشویق، باعث نشاط و دلگرمی و تحرک و جدیت می شود و آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس را در انسان پدید می آورد و نکوهش و ناسپاسی، شخصیت انسان را تحقیر می کند. در بعضی از آیات، خود قرآن کریم به عنوان مایه ی بشارت و پیامبر به عنوان مبشر، معرفی شده اند: فَأَنمَّا یَسْرَنَاهُ بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهَ الْمُتَّقِیْنَ وَ نَذِرَ بِهَ قَوْمًا لَدُنَّا (مریم / ۹۷) ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم تا پارسایان را به آن بشارت و مردمان لجوج را به آن بیم دهی. و ما جعله الله أَلَّا بَشْرَی وَ لَتَطْمَئِنَّ بِهَ قُلُوبُكُمْ (انفال / ۱۰) خداوند قرآن را جز مایه ی بشارت و برای آن که دل های آنان به آن آرام و اطمینان گیرد، قرار نداده است. در برخی از آیات قرآن کریم، خداوند، مومنان اهل عمل صالح را به بهشت و نعمت های آن بشارت داده است؛ به عنوان نمونه: الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُنْ لَهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (بقره / ۲۵) آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند بشارت ده به باغستان هایی که نهرها در آن جاری است. آیاتی از قرآن کریم به مسارعه و رقابت سالم معنوی فرا می خواند: وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ (آل عمران / ۱۳۳) و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود... بشتابید. ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون (مطففین / ۲۶) [باده ای که] مهر آن، مشک است، و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.

۲- تنبیه: واژه ی تنبیه از گذشته های دور با واژه تشویق همراه بوده است؛ زیرا تنبیه به عنوان یک روش تربیتی تلقی می شده است. معنای لغوی تنبیه، آگاه کردن، بیدار کردن و هوشیار ساختن است. و معنای اصطلاحی آن عبارت است از مجازات کسی که کارناپسندی را مرتکب شده است، به منظور ترک آن کار و جلوگیری از تکرار. تنبیه به طور کلی بر دو قسم است:



۱- تنبیه بدنی: یعنی کارهای درد آوری که به طور مستقیم بر بدن انسان اثر می گذارد از قبیل کتک زدن و شکنجه های جسمانی.

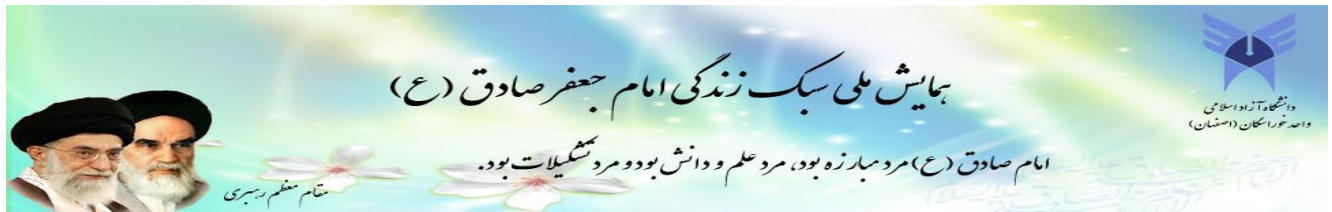
۲- تنبیه غیر بدنی: یعنی اعمالی که به عنوان مجازات انجام می گیرد و موجب ناراحتی انسان می شود ولی بر بدن اثری ندارند؛ مانند: قهر و بایکوت، تندی و خشونت، توبیخ و نکوهش و... برخی از دانشمندان علوم تربیتی و اخلاقی، استفاده از شیوه تنبیه را مجاز و بعضی غیر مجاز می دانند. استاد مطهری - اعلی الله مقامه - در این باره می گوید: ترس و ارعاب و تهدید در انسان ها عامل تربیت نیستند، تربیت به همان معنای پرش؛ یعنی هیچ انسانی را از راه ترساندن، از راه زدن، از راه ارعاب، از راه تهدید، نمی شود استعداد هایش را پرورش داد.

۳- محبت و نیکی

یکی از شیوه های موثر تربیتی، محبت و نیکی است. در اسلام بر این روش تأکید فراوان شده است. در قرآن کریم می خوانیم: و لا تستوی الحسنه و لا السيئه اذفع بالتی هی أحسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم (فصلت / ۳۴) نیکی و بدی، یکسان نیست. بدی را به نیکوترین وجه پاسخ بده، در این صورت کسی که میان تو و او دشمنی است، چون دوست صمیمی می گردد. سیره عملی ائمه علیهم السلام بیانگر این است که با دشمنان خود به ویژه آنان که نا آگاه بودند و بر اثر تبلیغات زهر آگین دشمنان اهل بیت علیهم السلام فریب خورده بودند به نیکی رفتار می کردند. کم نیستند کسانی که در اثر این شیوه تربیتی ائمه، به راه حق، هدایت شده اند. امیرالمؤمنان (علیه السلام) فرمود: الاحسان الی المسیء یتصلح العدو (۱۰) نیکی و احسان به بدکار، دشمن را به صلاح می آورد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الا اخبرکم بخیر خلائق الدنیا و الاخره: العفو عن ظلمک و تصل من قطعک ، و الاحسان الی من اساء الیک و اعطاء من حرمک (۱۱) آیا به شما خبر ندهم به بهترین خلق و خوی دنیا و آخرت؟ از کسی که به تو ستم کرده است درگذر، و با کسی که از تو پیوند بریده است، رابطه برقرار کن، به کسی که به تو بدی کر است، احسان و نیکی کن، و به کسی که تو را محروم کرده است عطا کن.

۴- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از روش های بسیار موثر تربیتی، امر به معروف و نهی از منکر است؛ البته مشروط به این که درست صورت گیرد. امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین و از عالی ترین و شریف ترین واجبات الهی هستند. دیگر واجبات در پرتو این دو، اقامه می شوند. انجام این دو فریضه ی بزرگ الهی، مورد ترغیب و تشویق آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام است. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت یک نوع نظارت همگانی بر عملکرد افراد اجتماع است. مسلمانان که در شاهراه هدایت به سوی قله ی قرب در حرکتند باید مراقبت کنند که برادران و خواهران ایمانی آنان از خط هدایت منحرف نشوند. این



وظیفه‌ی متقابل همه‌ی مسلمانان است که هرگاه نقطه‌ی ضعفی در عملکرد یکدیگر مشاهده کردند، مشفقانه به آنان هشدار دهند و از انحراف برحذر دارند. قرآن کریم می‌فرماید: ولتکن منکم أمةٌ يدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون (آل عمران / ۱۰۴) و باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت، و امر به معروف و نهی از منکر کنند، آنان همان رستگارانند. و در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: کتّم خیر امّۀ أخرجت للنّاس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله... (آل عمران / ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید

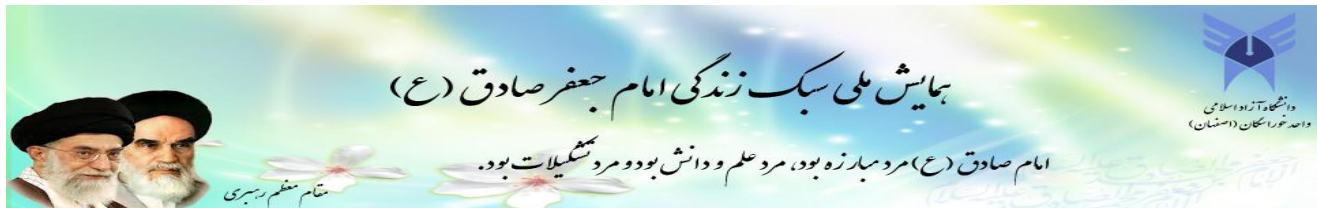
هدف تعلیم و تربیت

چون برای هر موجودی کمالی است که هدف خلقت او به تبع آن هدف رسیدن به آن کمال است، هدف تعلیم و تربیت، تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدر شده است. در واقع، هدف نهایی تعلیم و تربیت در اسلام، رضای خدا و تقرب ذات او است (موسوی ۱۳۷۳).

هدف، اخلاص و نزدیک شدن به کانون بی‌منتهای هستی است که با فزونی و استکمال در ایمان، علم، اراده، اندیشه، خلاقیت و نظم و نسق در زندگی همراه و هماهنگ خواهد بود. این هدف فقط شعار نیست، بلکه مظاهر و ابعادی دارد که می‌توان آنها را به نوعی هدف‌های زمینه‌ساز نامید. این هدف‌های زمینه‌ای را می‌توان به صورت‌های گوناگون طبقه‌بندی کرد (حسینی ۱۳۶۹). مظاهر و ابعاد تقرب به خداوند را در سه طبقه جای می‌دهد که عبارتند از: خودشناسی و حرکت انسان به سوی کمال، خدمت به خلق و برخورد مسئولانه با جهان طبیعت (شکوهی ۱۳۸۴). نیز این هدف‌های زمینه‌ساز را در چهار طبقه، یعنی تعلیم و تربیت فرد درباره مبدأ آفرینش، تعلیم و تربیت فرد در مورد خویشتن، تعلیم و تربیت فرد که با جامعه بشری مرتبط است و تعلیم و تربیت فرد که با عالم طبیعت ارتباط دارد، جای می‌دهد. در ادامه، با قبول و استناد به طبقه‌بندی پیشین در تشریح هر یک از آنها خواهیم کوشید.

۱. تعلیم و تربیت فرد درباره خدا

در این مقام، تعلیم و تربیت باید در جهت برقراری ارتباط انسان با مبدأ آفرینش برآمده و راه پرستش و بندگی خداوند را که همان هدف نهایی خلقت هستی و انسان است، هموار سازد. اعطای آزادی و اختیار از جانب خداوند به انسان، همراه با أخذ تعهدی



بوده است که آدمی را به استفاده از استعدادهای خود در جهت بندگی و شناخت و انتخاب نزدیک‌ترین راه (صراط‌المستقیم)، رسیدن به او ملزم می‌سازد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

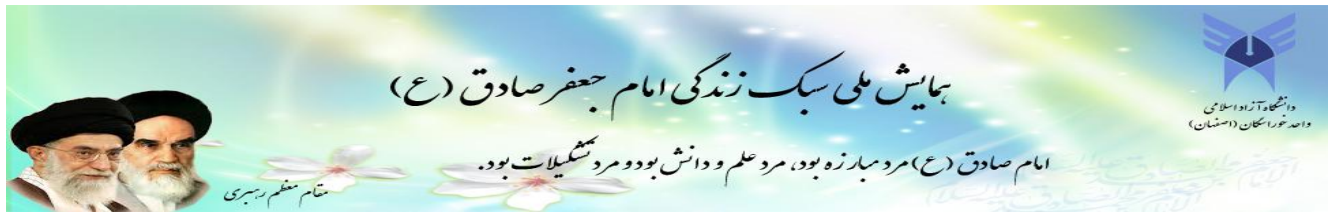
(وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) (اعراف: ۱۷۲) و هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را بر گرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما هستم، همه گفتند بلی، ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم که دیگر در روز قیامت نگویید ما از این واقعه غافل بودیم.

این تعهد فطری که بنیانش در ساخت وجودی انسان‌ها است، او را می‌دارد تا از وسوسه‌های نفسانی بپرهیزد و از پیروی شیطان خودداری کند. پس تعهد انسان در برابر خداوند به واسطه استعداد شناخت، آگاهی، آزادی، اراده و هدایتی است که از جانب خداوند به عمل آمده.

۲. تعلیم و تربیت فرد درباره خود

تعلیم و تربیت در این باره باید بر شناخت و معرفت استعدادهای گوناگون انسانی و ابعاد مختلف جسمی، روانی، قوای مادی و معنوی، نقاط ضعف و قوت انسان مبتنی باشد (شکوهی ۱۳۸۴). تهذیب و تربیت بُعد معنوی انسان در گرو آگاهی او است. هر انسانی به مقدار آگاهی و معرفتش می‌تواند رشد یابد و کامل شود. پس مهم‌ترین عامل رشد و تکامل انسان آگاهی او است. انسان متعهد انسانی است که موقعیت خود را در جهان شناخته و در به ثمر رساندن ملکات نفسانی خود کوشا باشد (جوادی املی ۱۳۸۰). افزون بر این، از آنجا که انسان پرتویی از کمال مطلق و نشأت او از خدا است، وظیفه دارد خود را به صفات خداوند متصف کند و هرگز گرد ظلم و بی‌عدالتی و دیگر انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی نگردد (حسینی ۱۳۶۹).

چنانچه ملکات نفسانی انسان را مورد توجه قرار دهیم، تقوا نیکوترین فضیلت او است. تقوا به معنای حفظ و نگهداری است. وقتی این کلمه در زمینه اخلاقی و تربیتی به کار می‌رود، به معنای حفظ خود، تسلط بر خود، اداره خود و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر منطقی است. پس هدف این است که انسان به صورتی تربیت شود تا اداره‌کننده خویشتن باشد. تمایلات یا هوای نفسانی خود را تحت کنترل درآورد و از آنچه غیر منطقی و غیر عقلانی است، خود را دور کرده و آنچه را شایسته انسان بودن او است، انجام دهد. بنابراین، تقوا به معنای عام کلمه، لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل سلیم زندگی، و از اصول معینی در زندگی خود پیروی کند (شریعتمداری ۱۳۸۵).



۳. تعلیم و تربیت فرد درباره طبیعت

تعلیم و تربیت در این بعد باید بر شناخت عالم طبیعت و کشف قوانین حاکم بر آن مبتنی باشد، بنابراین، باید روحیه تتبع و تفکر را در آدمی ایجاد و تقویت کند و افراد را به تحقیق، ابداع و ابتکار تشویق و کسب تخصص‌های لازم و استفاده از امکاناتی را که در طبیعت موجود است، در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد (شکوهی ۱۳۸۴). اسلام استفاده از طبیعت را در حد معقول و منطقی نه تنها منع نمی‌کند، بلکه به صراحت توصیه می‌کند که از آن بهره گیرید. البته، اسلام هر نوع تخریب، بهره‌کشی، آلودگی، از بین بردن منابع یا هرگونه استفاده انحصارگرایانه غیر اخلاقی و غیر انسانی از طبیعت را غیر مجاز دانسته و به ایجاد آبادی در زمین توصیه فرموده است (حسینی ۱۳۶۹).

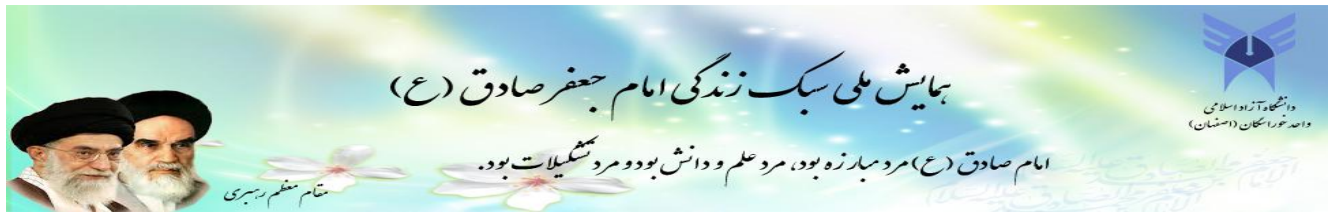
۴. تعلیم و تربیت درباره جامعه

در نظام اسلامی کوشش در جهت تشخیص و شناسایی نیازهای جامعه در همه زمینه‌ها و کسب دانش و آگاهی‌های لازم و انجام دیگر مقدمات به منظور رفع این نیازها، چنان اهمیتی دارد که از آن به صورت تکلیف شرعی نام می‌برد (حسینی ۱۳۶۹). درباره این مسأله، تعلیم و تربیت باید بر شناخت و تبیین ارزش‌های زندگی گروهی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و نیز بر ایمان قلبی به این ارزش‌ها مبتنی باشد و افراد را در عمل هماهنگ با این علم و ایمان در جهت تشکیل خانواده و امت اسلامی سوق دهد. در قلمرو روابط فرد با جامعه، گام اول آشنایی با مفاهیم گوناگون زندگی گروهی، مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی، شناخت گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها، معیارها و قوانین حاکم بر آنها از دیدگاه اسلام و کشف، درک و دریافت اصول تشکیل و تداوم و اعتلای جوامع بشری نظیر تعاون، برابری، برادری، آزادی، استقلال و... خواهد بود (شکوهی ۱۳۸۴).

بنابراین، هرگونه قصوری در هر کدام از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی به معنای انحراف از آموزه‌های تربیتی اسلام تلقی می‌شود.

اخلاق در منظر امام صادق (ع):

معنای لغوی اخلاق:



جمع خُلُق و خُلُق است تعریف خُلُق عبارت است از سیمای باطنی و هیات نفسانی که به موجب آن افعال نیک و بد اختیاری بدون تکلف و تأمل از انسان صادر می شود.

و معنای دیگر اخلاق سرشت و سجیه به کار می رود اعم از سجایای نیکو و پسندیده.

معنای اصطلاحی اخلاق از نظر دانشمندان علم اخلاق: عبارت است از صفات و ویژگیهای پایدار در نفس که موجب می شود کارهای متناسب با آن صفات بطور خود جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود. به گفته ی راغب اصفهانی، واژه ی خلق (به فتح یا ضم خ) در اصل به یک ریشه باز می گردد؛ با این تفاوت که خلق به معنای هیأت، شکل و صورت ظاهری است که انسان با چشم سر می بیند و خُلُق به معنای قوا، سجایا و صفات درونی که با چشم دل دیده می شود و آثار آن در گفتار و رفتار فرد بروز می کند (اسد حیدر).

علم اخلاق:

برای علم اخلاق تعاریف مختلفی ذکر کرده اند که می توان آنها را در دودسته کلی جای داد:

۱- تعریف علم اخلاق با تکیه بر علم و شناخت

۲- تعریف علم اخلاق بر تأکید عمل و رفتار اخلاقی

خواجه نصیر الدین طوسی در خود از علم اخلاق ((نقش شناخت را)) برجسته کرده و می گویند

علم اخلاق علمی است که نفس انسان چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او از او صادر می شود جمیل و محمود بود.

(اخلاق ناصری ص ۱۴)

اما برخی دیگر از اندیشمندان در تعریف علم اخلاق بیشتر بر جنبه عملی و رفتاری آن تأکید کرده اند:

علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد.

علم اخلاق بدین مهم توجه دارد که عمل آدمی برای آنکه کامل باشد و خیر را تحقق بخشد چگونه باید باشد (مصباح یزدی ۱۳۸۱).

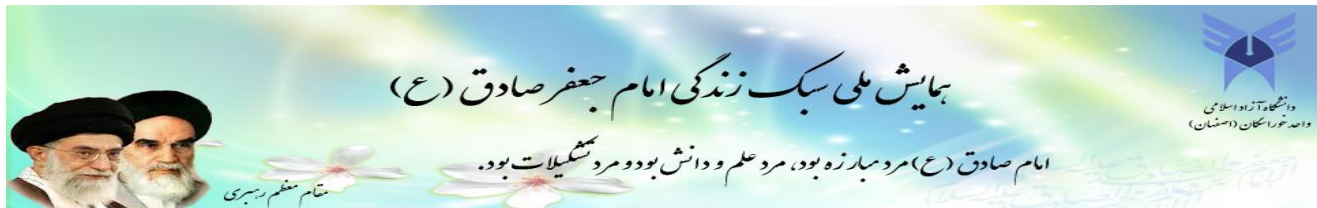
به حر حال در تعریف علم اخلاق می توان گفت علمی است که ضمن معرفی و شناساندن انواع خوبیها و بدیها، راهای کسب

خوبیها و دفع بدیها را به ما تعلیم می دهد یعنی هم بعد شناختی و معرفتی دارد هم بعد عملی و رفتاری.

علم اخلاق مثل فلسفه و علوم عقلی محض نیست که صرفاً بعد عقلانی و نظری انسان را تقویت کند بلکه هدف اصلی این علم

آموزش شیوه رفتار است. (جامع السعادات ۱۳۷۰).

علم اخلاق یا به طور کلی حکمت عملی چه فرقی با حکمت نظری دارد و موضوع آن چیست؟ آیا اخلاق امری است فردی و نسبی



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

و موقت در اعداد کارها عادی یا کلی و عام و مطلق و جاوید و مقدس و متعالی است.

حکمت نظری عبارت است شناسائی و علم به احوال اشیاء و موجودات آنچنانکه هستند و حکمت عملی عبارت است از علم به اینکه رفتار و کردار آدمی یعنی افعال اختیاری او چگونه باید باشد یعنی خوب است که آنچنان باشد و چگونه نباید باشد . در حکمت نظری از هست ها و است ها سخن می رود و در حکمت عملی از بایدها و نبایدها (ارزشها) بحث می شود. حکمت عملی اولاً محدود به انسان است و ثانیاً مربوط به افعال اختیاری انسان است و ثالثاً با بایدها و نبایدها ی افعال اختیاری انسان سروکار دارد رابعاً از بایدها ئی که نوعی (انسانی) و کلی و مطلق و دائم است بحث می کند و نه باید و نبایدهای فردی نسبی و موقت.

تربیت اخلاقی امام صادق (ع):

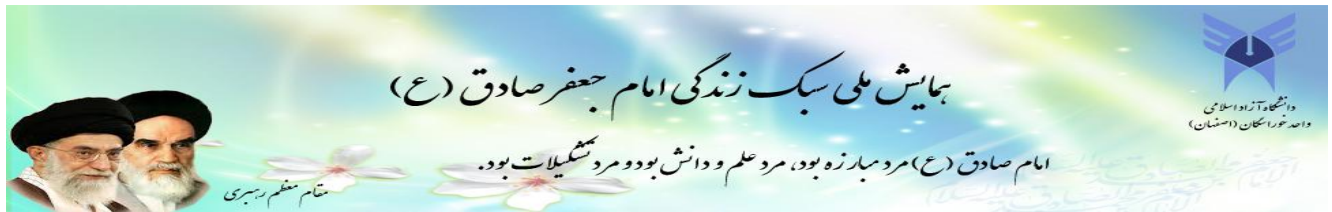
در مکتب امام صادق (ع)، تار و پود زندگی انسانی بایستی با رشته‌های عواطف انسانی و عشق و ایثار پیوند خورد و اگر عشق و علاقه دو جانبه میان زوجین نباشد، هیچ قانون بشری و امر و نهی‌های عرفی و حکومتی نمی‌تواند آرامش را در خانه برقرار سازد .

اعضای یک خانواده و یا جامعه نسبت به یکدیگر حقوق و وظایف متقابلی دارند که اگر آن را به راستی پاس دارند، خانواده‌ای گرم و پر نشاط و پویا و امیدوار را شکل داده و زمینه‌های رشد و تکامل خود و فرزندان، در آن فراهم می‌شود. و اگر هر یک از آن دو از حدود و مرزهای خود سر پیچد در گردش رو به رشد و سلامت این هسته انسانی وقفه ایجاد شده و ستیز و تیره‌روزی جای بهروزی و آرامش را پر خواهد کرد .

برای مثال امام ششم (ع) برای موفقیت در خانواده، زن و شوهر را به رعایت چند نکته توجه داده است :

لا غنی بالزوج عن ثلثة اشیاء فیما بینہ و بین زوجته، و هی الموافقة لیجتلب بها موافقتها و محبتها و هواها و حسن خلقه معها و استماله قلبها بالهیئة الحسنه فی عینها و توسعته علیها.

و لا غنی بالزوجه فیما بینها و بین زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال و هن: صیانه نفسها عن کل دنس حتی یطمئن قلبه الی الثقه بها فی حال المحبوب و المکروه. و حیاطته لیكون ذلک عاطفا علیها عند زله تكون منها. و اظهار العشق له بالخلابه و الهیئة الحسنه لها فی عینه



۱. حُسن خلق

حسن خلق به عنوان یکی از فضایل اخلاقی که در تربیت به آن امتیاز خاص داده اند در زندگی امام صادق (ع) نیز نمود ویژه ای دارد. هم چنین از آداب معاشرت و وظایف مرد در خانواده، حُسن خلق است.

حسن خلق به معنی خوی خوب و پسندیده در برابر بدخویی و کجتابی است.

حُسن خلق شاخه‌ای از مکارم اخلاق یعنی: سجایا و خصلت‌های نیک انسانی چون، عفو و بخشش و صبر و شکر و غیرت و شجاعت و وفا... پیامبر (ص) فرمود: *أَمَا بَعَثْتُ لَاتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (۵)*؛ من از طرف خداوند مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم.

حُسن خلق یعنی نرمخویی، طلاق و وجه، برخورد پسندیده. امام صادق در روایتی مرزهای آن را چنین بیان فرموده است. حسن بن محبوب از برخی از اصحاب نقل کرده :

قلت لابی عبدالله (ع) ما حدّ حسن الخُلُق؟ قال: تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی اخاک ببشر حَسَن (میزان الحکمه).

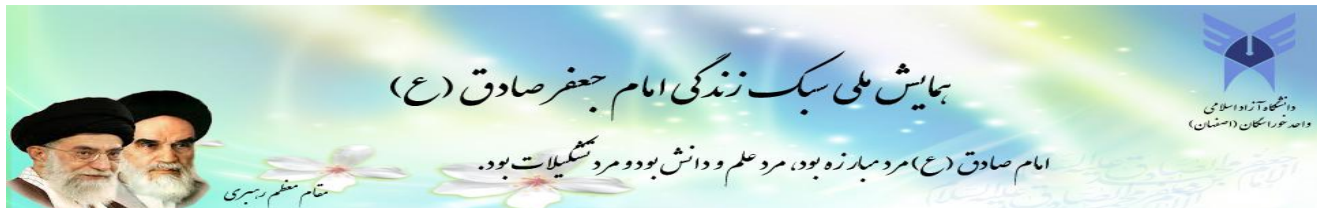
از امام صادق پرسیدم مرز حُسن خلق چیست؟ فرمود: با مردم به نرمخویی و گرمی برخورد کنی، پاک و منزه و در کمال ادب سخن بگویی و در روزه رو شدن با برادران متبسم و گشاده‌روی باشی.

از این رو، رفتارهای پسندیده‌ای چون پیشی گرفتن در سلام، مصافحه، پوشیدن لباس پاکیزه، عطر زدن، عیادت بیماران، در تشیع جنازه شرکت کردن، تسلیت به مصیب‌دیدگان، بدرقه و پیشواز مسافر رفتن، همه و همه در حوزه حُسن خلق می‌گنجد و بخشی از ماموریت‌های پیامبر (ص) رواج آداب نیک در میان مردم است.

۲. کار و تلاش:

در تربیت اسلامی کار و تلاش به منظور تکامل فرد و تامین نیازهای اولیه او حایز اهمیت است. از روی دیگر در تربیت اخلاقی کار و تلاش نشان یک انسان کامل می باشد که در زندگی امام صادق و دستورات ایشان به شدت بر روی آن تاکید شده است.

امام ششم، سعی و عمل و کار و کوشش برای عمران و آبادی و توسعه بر خانواده را از عوامل مؤثر در سعادت مادی و معنوی شمرده‌اند و به شیعیان سفارش فرموده‌اند: از تنبلی و کم‌کاری پرهیزند. امام ارزش مجاهدات کارگران را در ردیف فداکاری سربازان اسلام در دفاع از مرزهای اسلام به شمار آورده‌اند علاوه بر آن، ائمه (ع) خود، کار می‌کردند و عملاً مردم را به سعی و کوشش دعوت می‌کردند:



عن ابی عبدالله (ع) الکاد علی عیاله کالمجاهده فی سبیل اللّٰه

امام صادق(ع) فرمود: کسی که در طلب روزی خانواده خود کار می کند و به سعی و کوشش تن می دهد مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می کند.

عن ابی عمرو الشیبانی قال: رایت ابا عبدالله (ع) و بیده مسحاً و علیه ازار غلیظ یعمل فی حائط له و العرق یتّصاب عن ظهره فقلت جعلت فداک اعطنی اکفک. فقال: لی ائی احب ان یتاذی الرجل بحرّ الشمس فی طلب المعیشه.

ابی عمرو شیبانی می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که بیلی در دست و جامه خشنی در بر داشت در محوطه [باغ..] خود، کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت. گفتم: بیل را به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. فرمود: دوست دارم. مرد در راه به دست آوردن معاش، آزار حرارت آفتاب را تحمل کند.

صادق آل محمد(ص) در سفارشی دیگر تأکید فرمود: کار و تلاش برای مخارج خود و زن و فرزند و صلہ رحم و صدقه و مخارج حج و عمره، دنیاطلبی نیست.

اصول حاکم در تربیت در زندگی امام صادق(ع) :

اصل کمال جویی:

اصل اول کمال جویی در سایه آراسته شدن به ادب اسلامی است. امام صادق(ع) در این زمینه می فرمایند: اگر خدا دو روز به شما عمر داد یک روز آن را ادب یاد بگیرید و یک روز ادب را به کار ببرید.

معاویه بن عمار از امام صادق(ع) راجع به کسی از شیعیان که احادیث اهل بیت(ع) را نقل کند و باعث آرامش دل مردم گردد پرسید، امام صادق(ع) فرمود: مقام این فرد از هزاران عابد بالاتر است.

تربیت آن قدر اهمیت دارد که از خون شهید بالاتر است. چون شهید در اثر تربیت عالمان دینی به این مقام رسید.

من أحياء فكأنما أحيى الناس جميعاً؛ ۹ هر کسی نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است .

اصل امر به معروف و نهی از منکر :



در تربیت اسلامی این اصل مورد توجه قرار گرفته و امام صادق نیز نگاه ویژه ای به این اصل تربیتی دارند. به عنوان نمونه روایت زیر نقل می گردد.

امام صادق (ع) شنیده بودند که از مسلمانان مردی به نام شقرانی شراب خورده است و به دنبال فرصتی بودند که نهی از منکر کنند. روزی او برای دریافت سهمی از بیت المال نزد حضرت آمد. حضرت ضمن این که سهمی از بیت المال به او دادند با لحنی ملاطفت آمیز فرمودند: کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو به واسطه آشنایی که با ما داری و آزاد شده پیامبر هستی زیباتر است. و کار بد از هر کسی بد است، و از تو به خاطر همین انتساب زشت تر و قبیح تر است.

شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از شراب خواری او آگاه بوده و در عین حال به او محبت کرده است. نادم گشت و در درونش تحولی ایجاد شد.

آری، توجه به کمالات، موقعیت و شخصیت افراد یکی از عوامل بازدارنده از منکرات و کارهای زشت است.

اصل محبت در تربیت اسلامی:

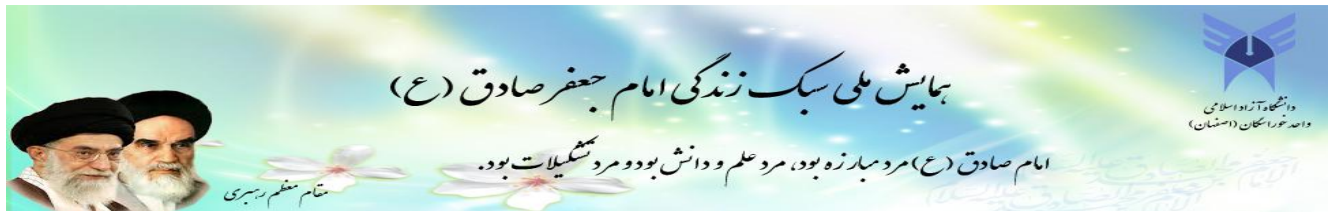
یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در اسلام، محبت است. قرآن کریم که معلم و مربی اخلاق است مهمترین محور فضایل اخلاقی را محبت می داند و امام صادق (سلام الله علیه) می فرماید: خدای سبحان پیامبر خود را با محبت الهی تادیب و تربیت کرده است: ان الله عز و جل ادب نبیه علی محبته.

کار خدا تادیب است و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مودب او و مدار تادیب آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نیز، محبت است.

روشهای تربیتی در نگاه امام صادق :

تشویق کودک به عبادت

اسلام، پدران و مادران را مکلف نموده است که فرزندان را با خداوند آشنا سازند و به آنان، خداپرستی و تعالیم دینی را بیاموزند و نیز دستور داده است تا کودکان را به نماز و عبادات تمرینی، وا دارند. وهب بن معاویه می گوید:



سئلت أبا عبدالله عليه السلام في كم يؤخذ الصَّبِي بالصَّلَاة؟ فقال: بين سبع سنين و ستَّ سنين.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: در چه سنّی کودکان را به نماز خواندن وا داریم؟ حضرت فرمود: بین شش و هفت سالگی.

همچنین امام صادق علیه السلام از پدرش روایت می کند:

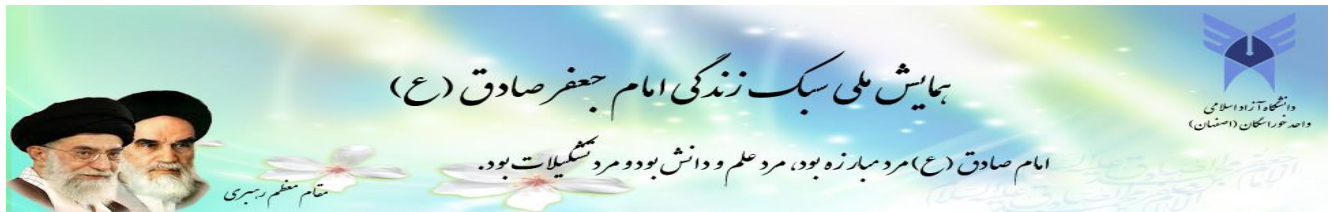
أنا نأمر صبياننا بالصلاة إذا كانوا ابني خمس سنين فمروا صبيانكم بالصلاة إذا كانوا بنى سبع سنين.

ما کودکان را در پنج سالگی به نماز وا می داریم و شما هم کودکان خود را در هفت سالگی امر کنید که نماز بگذارند.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

با نگاهی کوتاه و گذرا بر مطالب ارائه شده با توجه به محدودیت نوشتاری که داشتیم سعی نمودیم زمینه های تربیتی و اخلاقی را در زندگانی امام صادق علیه السلام (منظور گفتار و روش رفتاری آن امام بزرگوار) نمایان سازیم. به نظر می رسد امام صادق (ع) با ژرف اندیشی بسیار ویژه نگاه جامع به تربیت انسان کامل (مسلمان شیعه موحد) داشته است که جای دارد جامعه انسانی ما به ویژه نسل جوان از این آموزه های اصیل بهره مند گردد.

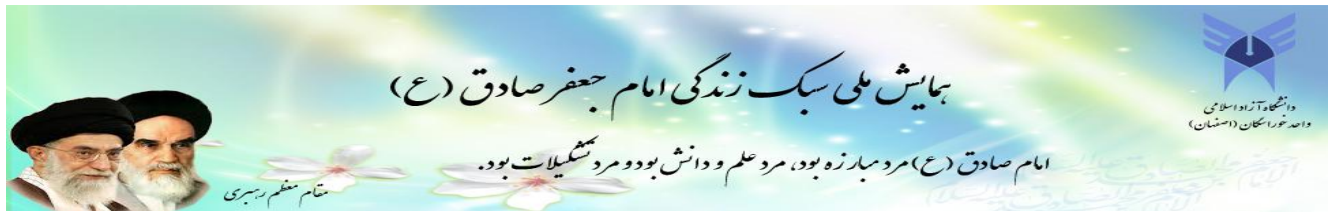
به نظر میرسد امام صادق علیه السلام هدف های تربیتی را از جمله رسیدن به کمال و دست یافتن به جایگاه و منزلت قرب الهی محور قرار داده و به شاخص ها و مولفه های تربیتی و یا به عبارتی فضایل اخلاقی مثل احسان به پدر و مادر نیکی و محبت به اطرافیان صله ارحام توجه به عبادت توجه نموده و در شاخصه های زندگی اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه قرار داده اند و با لطافت و ظرافت ویژه از روش های تربیتی مثل تشویق، تنبیه و محبت استفاده نموده اند. نگاه خاص



حضرت صادق ع به زندگی خانوادگی نیز حایز اهمیت است و برای پرورش بنیان خاص اجتماعی دستورات اخلاقی ویژه ای را بیان داشته اند که بنیان نظام خانوادگی را مستحکم تر می نماید.

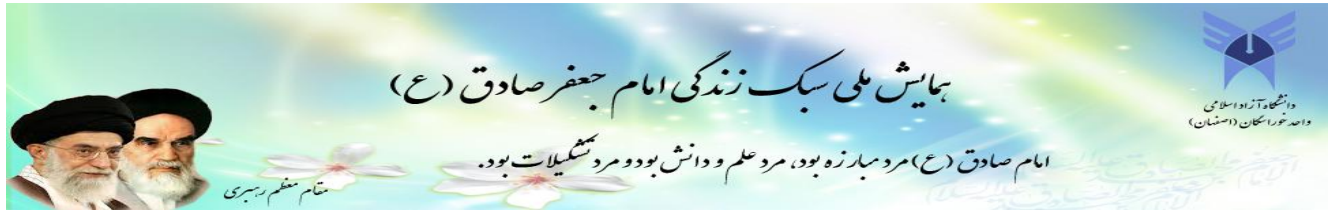
لذا بر اساس یافته ها پیشنهاد می گردد :

۱. مجموعه مدونی از مبانی تربیتی ، هدفهای تربیتی ، اصول تذبیتی ، روش های تربیتی از اقوال گفتار و زندگی امام صادق استخراج و به صورت مجموعه چند جلدی در اختیار جامعه دانشگاهی (مجموعه علوم انسانی) قرارگیرد تا به عنوان متون درسی نیز از آنها استفاده شود
۲. جای دارد صدا و سیما برنامه خاص و ویژه به صورت منظم و مرتب در زمینه تربیت اخلاقی امام صادق علیه السلام با حضور اساتید متخصص ارائه دهد و از یافته های این همایش و مجموعه مقالات نیز استفاده نماید .



منابع :

۱. احمدی، سید احمد (۱۳۶۸)، اصول و روشهای تربیت در اسلام، واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
۲. باقری، خسرو (۱۳۹۲)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، چاپ پنجم.
۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ج ۱۶، ترجمه موسوی، محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ج ۲، ترجمه موسوی، محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ترجمه موسوی، محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ج ۲۰، ترجمه موسوی، محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. راغب اصفهانی، (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، جلد اول و دوم، انتشارات مرتضوی.
۸. قرآن کریم، (۱۳۸۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات بوستان کتاب قم.
۹. شرح غررالحکم، ج ۳.
۱۰. شکوهی، غلام حسین، (۱۳۸۴)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۱. موسوی، ولی الله (۱۳۷۳)، سیمای انسان آرمانی، جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید.
۱۳. حسینی، سید علی اکبر، (۱۳۶۹)، مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۱۴. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۱۵. بازرگان، عبدالعلی (۱۳۸۰)، متدلوژی تدبیر در قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۶. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، مؤسسه اعلمی، بیروت.
۱۷. الصادق و المذاهب الاربعه (۱۳۹۰ ه.ق)، اسد حیدر، ج ۲، بیروت، دارالکتاب عربی.
۱۸. محدث نوری (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، ج ۲، مؤسسه آل بیت، بیروت.
۱۹. معانی الاخبار، شیخ صدوق، دارالمعرفه، تحقیق علی اکبر غفاری.



۲۰. شرح دعای مکارم الاخلاق، حجة الاسلام فلسفی ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۱. اصول کافی، جلد ۵.

۲۲. میزان الحکمه، جلد ۱۴.

۲۳. منیه المرید، شهید ثانی، جلد اول.

۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، چاپ و نشر بین الملل.

۲۵. جامع السعادات جلد اول